

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

احتجاجات قرآن با اهل کتاب

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فقه و معارف اسلامی

گرایش؛ قرآن

نگارش؛ سید شمس الحسن

استاد راهنما؛ حجة الاسلام و المسلمین آقای علی اسدی

استاد مشاور؛ حجة الاسلام و المسلمین محمد مهدی فیروز مهر

❖ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه، به عهده‌ی نویسنده می‌باشد.

❖ هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع، بلا اشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از جامعه المصطفی العالمیه می‌باشد.

تقدیر و تشکر:

از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» وظیفه‌ی خویش می‌دانم که از استاد راهنمای این اثر، دانشمند مخلص و تونا، **حجت الاسلام والمسلمین آقای علی اسدی** که زحمات زیادی را در این راه متقبل شدند، تشکر می‌کنم.

هم‌چنین از استاد مشاور، دانشمند ارجمند، **حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی فیروز مهر** که مشورت با او برای من بسیار مفید و ارزشمند بود، قدردانی می‌کنم.

و نیز بر خود لازم می‌دانم که از مسئولان، اساتید و کارکنان **جامعة المصطفی العالمیة صمیمانه** تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

تقدیم و اهداء:

با سپاس فراوان به درگاه ایزد منان که توفیق عنایت فرمود تا موارد احتجاجات قرآن کریم با اهل کتاب را تحقیق و بررسی کنم.

درود و سلام بر روان پاک همه‌ی پیامبران الهی، به ویژه حضرت ختمی مرتبت، محمد بن عبدالله (ص) و ائمه‌ی طاهرین (ع) که قلم به دست گرفتن را در مکتب آنان آموختم و با طلب رحمت و علو درجات برای همه‌ی دانشمندان و علماء، به ویژه رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره).

این خدمت ناچیز را به حضرت بقیة الله الاعظم حجت بن الحسن العسکری (روحی و ارواح العالمین لتراب نعل فرسه فدا) که جهان در انتظار عدالت او است، تقدیم می‌کنم و امیدوارم که آن را از این سرباز کوچک خویش قبول فرمایند!

چکیده:

قرآن کریم یک کتاب آسمانی و معجزه‌ی جاویدانی پیامبر ختمی مرتبت، حضرت محمد مصطفی (ص) و برای ابلاغ پیام الهی آمده و این کتاب آسمانی مردم را به راه کمال رفتن دعوت نموده، چه مردمان از اهل کتاب یا غیر آن باشند؛ و بالخصوص در مواردی با اهل کتاب با روش خاص خود احتجاج نموده و از این راه عده‌ای از آنان را به راه حق و راه کمال نزدیک (یا لااقل بر آنها اتمام حجت) کرد.

نص صریح آیات الهی بر جواز احتجاج است و به آن فرمان داده است. در سوره‌ی نحل آیت

۱۲۵ می‌فرماید:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾؛ «با بهترین طریق با اهل جدال مناظره کن.»

و دلایل و شواهد روشنی بر جواز احتجاج در آیات و روایات وجود دارد، و در قرآن کریم مواردی را بررسی نموده‌ایم که قرآن با اهل کتاب از قبیل:

۱. یهود که پیروان حضرت موسی (ع) هستند و نام کتاب آنها تورات است؛
۲. نصارا که پیروان حضرت عیسی (ع) هستند و نام کتاب ایشان انجیل است؛
۳. مجوس که به زرتشت گرویده‌اند و کتاب آنها اوستا است؛ و در باره‌ی اهل کتاب بودن مجوسی‌ان بین علماء اختلاف نظر وجود دارد.

۴. در باره‌ی صابئین هنوز بین محققان و دانشمندان در مورد شناخت و معرفی آنها اتفاق نظر وجود ندارد - احتجاج کرده است. و ما آن را در طی چند فصل ارائه می‌کنیم.

فصل دوم: که مسیحیان قائل به تثلیث هستند و قرآن بر علیه آنها احتجاج نموده است، و بیشتر گفت‌وگویی که قرآن با مسیحیان دارد ارتباط با مسئله تثلیث و اعتقاد به الوهیت حضرت عیسی است و با صراحت قرآن کریم تثلیث و الوهیت حضرت عیسی (ع) را ذکر کرده است و هم‌چنان در قرآن کریم احتجاج بر رد فرزند داشتن خداوند به عقیده‌ی مسیحیان و یهودیان شده است، و مسیحیان مریم را مادر خدا می‌پندارند، و از جمله فرق مسیحیت که این‌ها عقیده به عیسی (ع) و مادرش خدا دارند.

و قرآن کریم در آیت ۱۱۶ سوره‌ی مائده الوهیت عیسی (ع) و مریم مادر او را نفی می‌کند، و قرآن در باره‌ی حضرت عیسی بن مریم صفات بشری را نیز ذکر نموده، و چنان که اهل کتاب احبار و

رهبان (دانشمندان یهود و مسیحیان و تارکین دنیا را ارباب می‌دانستند و قرآن کریم در این موارد یهود و نصارا را نکوهش کرده است.

فصل سوم: قرآن کریم در خصوص یهودی‌ها که از روی عناد گفته بودند (ما انزله الله علی البشری شیئ) احتجاج نموده است.

قرآن کریم پیامبر گرامی (ص) در مقابل نصارا از حکم خداوند به صورت مباحثه احتجاج نموده و ما آن را تفصیلاً در رساله ذکر نموده‌ایم. و یکی دیگر از مواردی که قرآن کریم با یهودیان احتجاج نموده، در باره‌ی کشته شدن انبیای الهی به دست یهودیان است و یهودیان انبیای پیشین را به قتل رسانده‌اند.

فصل چهارم: احتجاج قرآن با اهل کتاب در باره‌ی معاد است؛ یهودیان باور دارند که فقط یهودیان وارد بهشت می‌شوند و هم‌چنان مسیحیان عقیده دارند که فقط مسیحیان وارد بهشت می‌شوند و قرآن کریم در باره‌ی این ادعای آنان احتجاج نموده است. و قرآن کسانی را اهل بهشت معرفی کرده که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده.

فصل پنجم: احتجاج قرآن با اهل کتاب در باره‌ی احکام یهودیان به حریم حدود خوراکی حلال و حرام تجاوز نموده و برخی از غذاهای حلال را بر خود حرام نموده بودند که قرآن کریم ادعای آنان را در مورد تحریم پاره‌ای از غذاهای پاک رد کرده است.

و هم‌چنان یهود و نصارا حقایق تورات و انجیل را از مردم کتمان می‌کردند و در قرآن در این مورد احتجاج به یهودیان به صورت اخبار بیان شده است تا علاوه بر استمرار بر تأکید هم دلالت کند.

فهرست مطالب:

فصل اول:

کلیات

۲	۱. بیان مسئله
۲	سؤال اصلی
۲	سؤال‌های فرعی
۲	فرضیه
۳	پیشینه‌ی تحقیق
۳	هدف تحقیق
۳	ضرورت تحقیق
۴	روش تحقیق
۵	۲. مفهوم‌شناسی و مصادیق اهل کتاب
۵	مصادیق اهل کتاب
۵	الف. یهود
۶	کتاب یهودیان
۷	ب. نصارا
۹	عقاید مسیحیان
۹	کتاب مسیحیت
۱۰	ج. مجوس
۱۱	آیا مجوس اهل کتاب هستند؟
۱۳	د. صابئین
۱۷	۳. کلیدواژه‌ها
۱۷	الف: احتجاج

ب. قرآن	۱۸
معنای لغوی قرآن	۱۸
معنای اصطلاحی قرآن	۱۹
ج. اهل کتاب	۲۰
اهل کتاب در قرآن	۲۱

فصل دوم:

احتجاج قرآن با اهل کتاب در باره توحید

۱. احتجاج بر رد تثلیث	۲۴
الف. مفهوم‌شناسی تثلیث	۲۴
ب. نظریه‌های تثلیث	۲۷
ج. احتجاج قرآن در رد تثلیث	۲۸
۲. احتجاج بر رد فرزند داشتن خداوند (مسیح و عزیر)	۴۰
مواجهه‌ی قرآن با اندیشه و اعتقاد پسر خدا بودن یهودیان	۴۶
۳. احتجاج بر رد الوهیت حضرت عیسی(ع)	۴۹
الوهیت حضرت عیسی(ع)	۵۱
تولد حضرت عیسی(ع) از منظر قرآن	۶۰
۴. احتجاج بر رد الوهیت حضرت مریم(ع)	۶۲

فصل سوم:

احتجاج قرآن با اهل کتاب در باره‌ی نبوت

۱. احتجاج برای اثبات نزول قرآن	۷۰
۲. احتجاج برای نفی یهودی و مسیحی بودن ابراهیم(ع)	۷۳
۳. مباحله	۷۵
۴. احتجاج قرآن بر کشته شدن انبیای الهی به دست یهودیان	۸۳
الف. رابطه حقایق و تصدیق	۸۵

- ب. جدال احسن با یهودیان..... ۸۵
۵. کتمان صفات پیامبر ۹۰

کھ فصل چهارم:

احتجاج قرآن با اهل کتاب در باره ی معاد

۱. انحصاری بودن بهشت برای اهل کتاب..... ۹۵
۲. احتجاج نفی عذاب دائمی ۱۰۱

کھ فصل پنجم:

احتجاج قرآن با اهل کتاب در باره ی احکام و کتب آسمانی

- حرام نمودن بعضی از حلال ها ۱۰۶

کھ خاتمه:

نتیجه گیری

- فهرست آیات ۱۱۷
فهرست منابع و مآخذ ۱۲۲

فصل اول: ✍

کلیات

✓ بیان مسئله

✓ مفهوم شناسی و مصادیق اهل کتاب

✓ کلیدواژه‌ها

۱. بیان مسئله

قرآن کریم کتابی برای ارشاد و هدایت مردم از طرف خداوند متعال بر قلب پیامبر گرامی (ص) نازل شده؛ کتابی که جهانیان از آوردن مثل آن عاجز و او در هر زمینه و در هر موضوعی سخن دارد، از جمله مباحث زیبای قرآن کریم احتجاج با دیگران است و قرآن کریم در احتجاج با دیگران روش و نهج منطقی را اتخاذ نموده که کتب دنیوی از این ویژگی عاری‌اند و در رابطه با احتجاج هیچ‌گاه از سیر منطقی خارج نشده و همیشه رعایت مراحل و تدریج را در نظر داشته، به گونه‌ای که طرف ذره‌ای از عقل و خرد برخوردار باشد و آن را به کار بگیرد، در روش معجزه‌ی قرآن کریم خاضع خواهند شد.

این جا است که ذهن به این پرسش برخورد می‌کند که روش احتجاج قرآن با اهل کتاب چگونه است؟

و در قرآن کریم موارد احتجاجات از اهل کتاب با روش منطقی ارائه شده است.

سؤال اصلی

آیا قرآن علیه اهل کتاب احتجاج کرده است؟

سؤال‌های فرعی

۱. اهل کتاب چه کسانی‌اند؟
۲. مصادیق اهل کتاب کیانند؟
۳. قرآن کریم با اهل کتاب در چه زمینه‌هایی احتجاج نموده است؟
۴. شیوه‌ها و روش‌های احتجاجات قرآن کریم با اهل کتاب چیست؟
۵. آیا قرآن کریم در باره‌ی اصول دین با اهل کتاب احتجاج کرده است؟

فرضیه

در قرآن کریم در موارد متعدد علیه اهل کتاب صراحتاً و کنایتاً احتجاج شده است. قرآن کریم با اهل کتاب در مباحث مهم در دین و در باره‌ی بعضی از اصول دین احتجاج کرده

است.

در قرآن کریم احتجاج بعضی از اهل کتاب به صورت جمعی نقل شده است. در بیشتر موارد با یهودیان و مسیحیان احتجاج شده است. احتجاج قرآن کریم از اهل کتاب با سیر منطقی و روش عقلایی است.

پیشینه‌ی تحقیق

احتجاج برای پیشبرد مقاصد علمی و عقیدتی بسیار کارساز است و یک راه و روش برای کشف حقیقت است. آن روزی که خورشید اسلام از افق حجاز طلوع نمود و عرصه‌گاه وسیع جهان بشریت را با حقایق تابناک خود روشن ساخت، پیشوایان اسلام همواره با مخالفان و سران عرب و با اهل کتاب احتجاج نمودند و در خود قرآن کریم احتجاجات با اهل کتاب به شیوه‌ی خاص ذکر شده است و مفسرین در لابلای تفسیر خود احتجاج و روش منطقی قرآن کریم را متذکر شده‌اند و بعضی مورخین و دانشمندان اسلامی به نام الاحتجاج کتابی مدون نموده‌اند، در آن کتاب ارزشمند احتجاجات پیشوایان الهی را که آن‌ها با ذکر آیه احتجاج نموده‌اند نقل کرده‌اند، اما در باره‌ی موضوع مصوبه احتجاج قرآن کریم با اهل کتاب رساله‌ی مستقلی و یا کتابی مستقل ندیدم؛ اگرچه در کتب اسلامی و متون معتبر احتجاجاتی ذکر شده است؛ لذا با این همه آثار از گذشتگان جای آن‌چه در این رساله به طور شفاف مورد پژوهش قرار گرفته خالی است، لذا محورهای مطرح شده در این طرح جای تحقیق دارد.

هدف تحقیق

۱. اثبات حقانیت دین اسلام در مقابل اهل کتاب؛
۲. تبیین روش احتجاج قرآن کریم با اهل کتاب؛
۳. استخراج الگو برای احتجاجات؛
۴. پاسخ به شبهات مطرح شده از جانب اهل کتاب؛
۵. بیان و تبیین موارد احتجاجات قرآن کریم با اهل کتاب؛
۶. ارائه‌ی موارد احتجاجات قرآن کریم با اهل کتاب.

ضرورت تحقیق

قرآن کریم یک کتاب الهی و معجزه‌ی جاویدان پیامبر گرامی (ص) است و برای رساندن انسان‌ها به کمال آمده و قرآن کریم به هرنحوی راه کمال را تبیین نموده و مردم را به راه کمال رفتن دعوت

نموده، چه مردمان از اهل کتاب یا غیر آن باشند و بالخصوص در مواردی با اهل کتاب احتجاج نموده است، و با استفاده از روش خاص خود در احتجاج بعضی از اهل کتاب را به حق و راه کمال نزدیک (یا لااقل بر آنها اتمام حجت) کرد.

بنابر ضرورت احساس نمودیم که در باره‌ی احتجاجات قرآن کریم با اهل کتاب یک رساله‌ی علمی مستقل نوشته شود و در آن مراحل و شیوه‌ی برخورد با آنها استخراج شود و یک روش دارای سیر منطقی در احتجاج استنباط شود تا پیروی از این الگو و نمونه زمینه‌ای برای قبول حق و رسیدن به کمال فراهم شود.

روش تحقیق

کتابخانه، مطالعه، فیش برداری، تنظیم مطالب و سپس تدوین رساله.
روش علمی پژوهش، تحلیلی و توصیفی است.

۲. مفهوم‌شناسی و مصادیق اهل کتاب

مصادیق اهل کتاب

تعریف اهل کتاب: اهل به معنای سزاوار و شایسته، خاندان، خانواده، انس، اختصاص و تعلق داشتن به چیزی است.^۱ از این رو با اضافه شدن به کتاب معنای وابستگی به کتاب می‌دهد؛ چون مقصود از کتاب، کتاب آسمانی است، اهل کتاب به معنای صاحبان کتاب آسمانی و پیروان ادیان الهی است، البته این تعبیر در قرآن و فرهنگ اسلام برای مسلمانان به کار نمی‌رود و گزینش این اصطلاح گویا نخستین بار در قرآن آمده.^۲

با در نظر گرفتن این معنی، ظاهراً مصادیق اهل کتاب در جهان معاصر بعثت عبارت بودند از یهود، نصارا، صابئین، مجوس. آنچه این امت‌ها را در کنار یکدیگر قرار داده، اشتراکات فراوان در اصول علمی-دینی آن‌ها است، گرچه که گذشت قرون و اعصار، اصالت مبانی فکری و فلسفی این مکاتب را در هاله‌ای از ابهام و تردید فرو برده است؛ به علاوه، ارتباطات فرهنگی با دیگر ملل چه در حالت غلبه و چه در وضعیت مغلوب و چه در تعامل برابر با اقوام مجاور، همگی تأثیرات انکارناپذیری در کیفیت دینداری، معتقدات و وحی آیین‌های مذهبی این امت‌ها به جای گذاشته و فرهنگ رایج در هر عصر، دخل و تصرفات فراوانی در بینش دینی و تفسیر علمای دینی از نصوص داشته است.^۳

از میان مذهب یهود، مسیحیت، مجوس و صابئی‌ها، قرآن کریم مبسوطاً به دو کیش اولی پرداخته و از دومی و سومی تنها اسم برده است. علت آن را باید در میزان حضور و شرکت یهود و نصارا در یافت اجتماعی شبهه‌جزیره و به خصوص مدینه و عدم تماس مستقیم جامعه مسلمان با مجوسان و صابئی‌ها سراغ گرفت.

الف. یهود

یهود که در قرآن مجید بیشتر با عناوین «بنی‌اسرائیل» (۴۰ بار) «والذین هادوا»، (۱۰ بار)

۱. بصائر ذوی التمییز، ج ۲، ص ۸۳-۸۵؛ التحقیق، ج ۱، ص ۱۶۹.

۲. دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۶۱۶.

۳. به عنوان نمونه می‌توان به تأثیرات یهود از محیط برست کنعان و پس از آن در دوران جلاء بابل از مصر فرهنگ آشور و هخامنشی، هم چنین فرم‌پذیری مسیحیت از فلسفه یونان و معتقدات مذهبی روم باستان، به خصوص در باره‌ی طبیعت انسان خدای مسیح و تا اندازه‌ای تأثیرگذاری آیین سیترا پرستی وزوان در شعایر مذهبی زرتشت که در اوستای حاضر نمود دارد، اشاره کرد.

«...الیهود»، (۷ بار) و «هود» (۲ بار) و عنوان کلی «... اهل کتاب» یادشده^۱، اشاره به قومی دارد که تحت رهبری موسی از مصر خارج شدند و به سوی کنعان مهاجرت کردند. «بنی اسرائیل» بیش از هر چیز به اسباط دوازده گانه ای اطلاق می شود که به نقل تورات (سفر خروج، باب اول) نسل یعقوب (اسرائیل) تشکیل می دادند. پس از تقسیم مملکت تحت استیلای اسباط به سرزمین شمالی قرار گرفت در مقابل مملکت یهودا که اعقاب دارد بر آن حکومت می راندند. به نظر می رسد قرآن مجید این کلمه (یهود) را مشتق به حساب آورده و از آن فعل ساخته باشد.

راغب «الیهود» را رجوع با افق و ملایمت معنی نموده و معنای متعارف آن را «توبه» خوانده است. او دو نظریه را مطرح می سازد؛ نخست این که «یهود» از فعل «هدنا الیک»^۲ مشتق شده باشد. و دیگر این که «یهود» اسم علم است و از آن فعل ساخته اند، مثل «تفرعن» و «تطفل» که از «فرعون» و «طفل» ساخته شده اند و معنی انجام فعل منسوب به فرعون و طفل را افاده می کنند. وی در ضمن «هود» را جمع «هاند» به معنی «تائب» می داند.^۳

ابن فارس اصل «هود» را دال بر رواد و سکون دانسته می افزاید:

«فاما الیهود فمن هاد یهود. (اذا تاب) هوداً و تسمى به لانهم تابودا عن عبادة العجل»^۴

به این ترتیب «الذین هادوا» به معنی کسانی است که یهودی شده اند، و طریقه ی «یهود» (منسوب به یهودا) را پیش گرفتند و عبارت «انا هدنا الیک» علاوه بر این که می تواند به معنی «تبنا الیک» باشد (اگر این ماده در عربی به معنی تاب باشد که لغت بر آن دلالت ندارد) مطابق معنای عبری واژه «تورا» حمد می کنم» یا «به پیشگاهت ستایش به جای می آوریم» خواهد بود. هود نیز چنان که ابن فارس گفته، جمع «آهود» به معنی «هاند» یعنی یهودیان است؛ چون که در یک جا مفرد آن را یهودی قرار داده است.^۵

کتاب یهودیان

نام کتاب یهودیان، «تورات» است که چهارده بار در قرآن مجید از آن یاد شده است. کلمه ی

۱. اعلام القرآن، دکتر محمد خزالی، ص ۶۹۰.

۲. المفردات فی غریب القرآن، ج ۴، ص ۵۴۷.

۳. جلال الدین الهندی آشتیانی، تحقیق در دین یهود، بی جا، بی نا، ۱۳۶۴، صص ۴۶۶-۴۶۷؛ ر.ک: دکتر لیست، قاموس کتاب مقدس، ترجمه: جمیر هاکس، بیروت، مطبعة امریکایی، ۱۹۲۸، صص ۵۳-۵۴ و ۹۸.

۴. احمد ابن فارس، معجم مقایس اللغة، تحقیق: عبدالسلام هارون، بی جا، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ه.ق، ج ۶، صص ۱۵-۱۷.

۵. ﴿مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا...﴾، آل عمران (۳)، ۶۷.

تورات واژه‌ای است عبری که به معنای هدایت می‌باشد.^۱ اخیراً تورات به مجموع سی‌ونه کتاب اطلاق می‌شود که همه در یک جا گردآوری شده است، و آن‌ها عبارت‌اند از نوشته‌ها و آثاری که از سده‌ی ششم تا سده‌ی اول پیش از میلاد جمع‌آوری، نوشته و تألیف شده‌اند. به همین دلیل است که افکار، تعالیم، روش‌های بیان، عقائد و آداب و رسوم قوانین، اخلاقیات، نفسیایات سلوک‌ها و بسیاری چیزهای دیگر در این مجموعه یک دست و یک روال نیست و حاصل قرن‌ها زندگی قوم بنی‌اسرائیل است.^۲

ب. نصارا

تعریف لغوی: نصرانی، نصاری گفته شده منسوب به نصرانی است که نام قریه بوده است.^۳

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾^۴

«نصارا» در قرآن مجید نام گروهی قرار گرفته است که خود را پیرو تعالیم حضرت عسی مسیح (ع) می‌شمردند:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَا ذَلِكَ بَأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيَّيْنَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾^۵

مفرد این کلمه «نصرانی» است و در باره‌ی اشتقاق آن اختلاف است؛ برخی آن را منسوب به «ناصره» شهری در فلسطین دانسته‌اند و عیسی را نیز عیسی ناصری ناصری- می‌نامیدند.

«زیمرن» اصل این کلمه را آکدی و منسوب به ناصر نامی که در آن عهد حافظ اسرار دین بوده است- می‌داند. «مندائیان» خود را «توصورایا» یا «ناصرورایا» می‌خواندند که عین کلمه نصارا به معنی «دانای علم اسرار» است.^۶

بعضی گفته‌اند نصارا از ریشه‌ی «نصر» به معنای یاری رساندن گرفته شده است، به دلیل این که

۱. ادیان بزرگ جهان، ص ۳۳۱.

۲. ادیان بزرگ جهان به تلخیص، ص ۳۳۱.

۳. راغب تحت نصر، ص ۴۳۹.

۴. بقره (۲)، ۱۱۳.

۵. مائده (۵)، ۸۲.

۶. محمد جواد مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷، ج ۲، صص ۹۱۲-۹۱۳.

طبق نقل قرآن حواریون - که از یاران و حامیان حضرت عیسی (ع) بودند - می گفتند:

﴿... نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ...﴾^۱

عده‌ای هم عقیده دارند چون حضرت عیسی (ع) اهل ناصره بود، او را ناصری می خوانند و به پیروان او نصارا یا نصرانی گفته می شود.^۲

از ابن عباس نقل شده است که ناصره شهری است در منطقه‌ی فلسطین، چون مسیح (ع) در زمان کودکی و طفولیت در آن جا پرورش یافت به آن حضرت عیسی ناصری می گفتند. در نتیجه پیروان آن حضرت را نصرانی یا نصارا نامیدند.^۳

مذهب مسیحیت در حقیقت چیزی جز ادامه‌ی آیین یهود نبود و شخص عیسی (ع) در بادی امر هیچ ادعایی نداشت، بلکه فردی محسوب می شد که می خواست در رفتار خشونت بار یهودیت تعدیل ایجاد نماید، اما موقعیت زمانی از نقطه نظر تحولات اجتماعی و روحی در فلسطین و هم چنین انتظار شدید یهودیان در باره «ظهور ناجی» موجب شد تا عیسی مقاصد تازه‌ای را بجوید، و برای پیش برد ایده‌ی خود از جریان زمان استفاده نموده و در هیأت موعود یهودیان تظاهر نماید و این آغاز کار بوده است.^۴

درست است که رسالت عیسی (ع) احیا و اصلاح آیین یهود بود، لکن این ادعای نویسنده‌ی کتاب «ادیان بزرگ جهان» که عیسی (ع) برای پیش بردن مقاصد و ایدئولوژی خود از جریان زمان استفاده نموده و در هیأت موعود یهودیان تظاهر نمود، از نظر کلامی، با اصل نبوت و رسالت ایشان که از قبل مشخص و روشن بوده و قرآن مجید هم آن را گواهی می نماید: ﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾^۵ مغایرت دارد.

آیین جدید - یعنی مسیحیت - پس از پنجاه سال تبلیغ، طرفدارانی پیدا نموده و از این زمان - یعنی سال پنجاه به بعد - مسیحیان تحت فشار و مورد تعقیب و قتل عام، زندان و شکنجه قرار گرفتند، اما با این حال روز به روز بر تعدادشان افزوده می شد، پس از سه قرن تحمل شدائد و مشکلات، سرانجام به سال ۳۱۳ میلادی کنستانتین - امپراتور روم - دستور آزادی مسیحیان را اعلام کرد و اندکی نگذشت

۱. صف (۶۱)، ۱۴.

۲. سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ ش، ۱/۱۷۱.

۳. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بازار سلطانی، ج ۷، ص ۷۴.

۴. ادیان بزرگ جهان، ص ۴۵۳.

۵. مریم (۱۹)، ۳۰.

که مسیحیت، آیین رسمی روم و مستعمرات آن گردید.

عقاید مسیحیان

بنای عقیده مسیحیان در الهیات و خداشناسی بر پایه تثلیث قدسی قرار داشت. به این معنی که معتقد بودند وجود خداوند در سه اقنوم، یعنی خدای پدر و یا آفریننده، خدای پسر یعنی عیسی و روح القدس رسوخ دارد.

تثلیث نه صورت اولیه خداشناسی و الهیات مسیحی است و نه شکل نهایی آن، بلکه در نتیجه تأثیرات خارجی، این عقیده پدید آمده و بعد به وسیله‌ی بعضی حکمای مسیحی مورد انتقاد قرار گرفت و در کلیسا نیز اختلافات و انشعابات بسیاری بر مبنای آن فراهم شد، اما به هر حال هنوز بسیاری از مسیحیان به اقانیم ثلاثه معتقدند.^۱

کتاب مسیحیت

کتاب مسیحیان «انجیل» است که بر حضرت عیسی (ع) نازل شده است. بعضی لفظ انجیل را یونانی و بعضی آن را عربی دانسته‌اند. کلمه‌ی انجیل دوازده بار در قرآن آمده و از بررسی آیاتی که انجیل را معرفی کرده است، برمی‌آید که روند انجیل مانند قرآن و تورات، کتاب آسمانی است.^۲

ثانیاً: در انجیل، احکام و قوانین وجود داشته است.^۳

ثالثاً: انجیل از آمدن پیامبر اکرم (ص) خبر داده است.^۴

رابعاً: انجیل هم مانند قرآن و تورات کتاب هدایت و نور است.

خامساً: انجیل ادامه‌ی تورات به شمار می‌رفته و احکام آن را امضاء کرده است:

﴿وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ...﴾^۵

و برای تکمیل تورات آمده است:

﴿... وَالْأَحْلِلَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ...﴾^۶

۱. برگرفته از کتاب ادیان بزرگ.

۲. آل عمران (۳)، ۳.

۳. مائده (۵)، ۴۷.

۴. اعراف (۷)، ۵۷؛ صف (۶۱)، ۶.

۵. آل عمران (۳)، ۵۰.

۶. آل عمران (۳)، ۵۰.

سادساً: معلوم می‌شود که مقداری از انجیل از میان رفته است؛ به دلیل آیت ۱۵ سوره ی مائده، یهود و نصارا، مقداری انجیل را کتمان می‌کردند، بعد از وفات عیسی (ع) اناجیل زیادی نوشته شده است که سرانجام چهار انجیل به رسمیت شناخته شد:

۱. انجیل متی که مابین سال‌های ۵۰ تا ۶۰ میلادی نوشته شده است؛
۲. انجیل مرقس که بعد از انجیل متی و در سال حدود ۶۶ در روم نوشته شده است؛
۳. انجیل لوقا که پس از مرگ پطرس و پولس نوشته شده است؛
۴. انجیل یوحنا که در سال ۹۶ میلادی تحریر شده است.^۱

ج. مجوس

واژه‌ی «مجوس» یک بار در قرآن مجید در آیت ۱۷ سوره ی حج استعمال شده است و پس از یهود و نصارا و صابئین و پیش از مشرکین از مجوس نام برده شده است.^۲ از نظر علامه طباطبایی مراد از آن، قوم معروفی هستند که به زرتشت گرویدند و کتاب مقدس شان «اوستا» است. تاریخ حیات زرتشت و زمان ظهور او بسیار مبهم است، به طوری که می‌توان گفت به کلی منقطع است؛ این قوم کتاب مقدس خود را در داستان استیلای اسکندر بر ایران، کلاً از دست دادند و حتی یک نسخه هم از آن باقی نماند تا آن که در زمان پادشاهان ساسانی، مجدداً به رشته تحریر درآمد. از همین رو نمی‌توان بر واقعیت مذهب ایشان و قوف یافت، آنچه مسلم است این که مجوسی‌ها معتقد هستند برای تدبیر عالم، دو مبدأ است: یکی مبدأ خیر و یکی مبدأ شر. اولی نامش یزدان و دومی اهریمن است و یا اولی نور، و دومی ظلمت نام دارند، و نیز مسلم است که آنها ملائکه را مقدس دانسته‌اند، بدون این که مانند بت‌پرستان برای آنها بتی بسازند و به آنها توسل و تقرب جویند.

بدون این که صنم و پیکره‌ی بی‌جانی را اتخاذ کنند، و نیز مسلم است که عناصر بسیطه و مخصوصاً آتش را مقدس می‌دارند، در قدیم الایام مجوسی‌ان، در ایران، چین، هند و جز آنها آتشکده‌ها داشتند، آنها وجود همه‌ی عالم را مستند به اهورامزدا تلقی کرده و او را ایجاد کننده‌ی همه می‌دانند.^۳

در مورد ایشان یحیی^۱ نوری نیز می‌نویسد: حقیقت این که اگر اسلام آیین مجوس را از جمله‌ی

۱. قاموس قرآن، ۱۵/۷، نقل به معنی.

۲. دکتر محمد خزائی، اعلام قرآن، ج ۱، ص ۵۴۷.

۳. المیزان، ج ۱۴، ص ۵۳۲.